



یک رختخواب تازه

● مژگان بقایی‌پور

یک برگ زرد و تنها
افتاد روی دستم
گفتم به او چطوری؟
او گفت خسته هستم

او را به خانه بردم
پاییز بود و سرما
لای کتاب شعرم
خواهید برگ زیبا

بزغاله‌ی کتاب‌خوان



● زهرا شفیعی ینگابادی

من مشق می‌نوشتم
توی سیاه‌چادر
یک گله بز رسیدند
صحرا شد از صدا پر

بزغاله‌ای مرا دید
از پشت چادر آمد
مع‌مع کنان و خوش‌حال
اطراف من قدم زد

بو کرد دست من را
زل زد به کیف و دفتر
از من کتاب می‌خواست
شاید به جای شبدر

● تصویرگر: فریبا اصلی





تا کجا؟

● خاتون حسنی

پای من
پای تو
من بدو
تو بدو

تا کجا؟

مدرسه

بشمریم

یک دو سه

قصه‌ی یک دوستی

● منیره هاشمی



کوله‌ام در کوچه وا شد
دفترم یک دفعه افتاد
یک نفر از راه آمد
خم شد و آن را به من داد

دیدم او هم مثل من داشت
کوله و روپوش آبی
بچه‌ی خوش‌خنده‌ای بود
حرف زد با من حسابی

بعد فهمیدم که هستیم
هر دومان در یک دبستان
قصه‌ی یک دوستی بود
قصه‌ای که گفتم الان



والدین عزیز، برای کودک هیچ صدایی دل‌نشین‌تر از صدای پدر و مادر نیست. موقع خواندن این شعرها، بهترین فرصت است تا احساسات و دغدغه‌های کودکان را که تازه به پیش‌دبستان یا پایه‌ی اول رفته‌اند، بشنوید.